

روش های درمان در ایران باستان (دانشگاه - بیمارستان جندی شاپور)

Treatment in Ancient Iran
(Jundishapur University-Hospital)

شراره شرفی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
nashresharafi@77gmail.com

چکیده

نگاه ویژه به امر بهداشت و سلامت جامعه در ایران باستان از مهم ترین اولویت های حکومت (پادشاهان) و نمایندگان دینی (روحانیون) بوده است. پادشاهان با ایجاد مراکز درمانی و توجه به امور پزشکان و روحانیون با تعلیم آموزه های بهداشتی از کتاب دینی به نام (اوستا)، به رعایت بهداشت تأکید می کردند. در ایران باستان، پیشگیری امری مهم تر از درمان تلقی می شد. پزشکی در ایران باستان به دو شاخه ی مینو پزشکی (روان پزشکی) و گیتی پزشکی (تن پزشکی) تقسیم می شد و علاوه بر اختلالات درونی، محیط بیرونی را نیز از عوارض بروز پیدایی بیماری ها تلقی می کردند. در آن زمان جهت پیشگیری از بیماری های واگیردار، قرنطینه اعمال می شد و در این زمان به رعایت اصول بهداشتی توصیه می شد. پیشرفت دانش پزشکی در دوره ی ساسانی با تأسیس دانشگاه جندی شاپور صورت گرفت و دستاوردهای آن حتی به دوره ی بعد از اسلام منتقل شد و جهان پزشکی آن روزگار تحت تأثیر ایران قرار گرفت. در این مقاله روش های درمان در ایران باستان و مهم ترین مرکز پزشکی، جندی شاپور بررسی می شود.

واژگان کلیدی: بهداشت، پزشکی، ایران باستان، درمان، قرنطینه

مقدمه

جهت جلوگیری از سرایت بیماری ها ظرف آبخوری هر شخص اختصاصی بود و آلوده کنندگان آب بزهکار شناخته می شدند و گاهی حتی اعدام می شدند چرا که سه عنصر آب، هوا و خاک در دین زرتشت مقدس بود و نباید این عناصر توسط افراد آلوده می شد. ایرانیان قدیم به عاملی ناشناخته با توان مرگزا که سبب بروز بیماری ها و فساد لاشه می شود توجه داشتند و به تجربه مشخص شده بود که اثر عفونت ممکن است تا پنجاه سال باقی بماند که با شناخت امروزی احتمالاً این موضوع ناشی از اثر هاگ قارچ ها یا فعالیت باکتری ها بوده است (۶).

اقدام ها و روش درمانی پزشکان

واژه ی پزشکی در اوستا بشه زه است که به معنی "آسیب زد" است (۳). مطابق تاریخ، قدیمی ترین دوره ی رواج پزشکی در ایران باستان به آریایی ها بازمی گردد. اولین پزشک نامدار آریایی ترتیا نام داشت که زخم نیزه و تب سوزان را از تن برطرف می کرده است. پزشکان در آن زمان از طبقه ی روحانی بودند و ریاست پزشکان را برترین روحانی بر عهده داشت (۷). پزشکان باید از هندسه، موسیقی، شعر، تمثیل و حکمت بهره می داشتند تا به فراخور نوع بیماری از این دانش ها استفاده نمایند. از تمثیل، موسیقی و شعر در راستای بهبود بیماران روانی و کسانی که از

از قدیمی ترین منابع مکتوب که به علم پزشکی اشاره می کند، اوستا (کتاب دینی زرتشتیان) است. در دوره ی هخامنشی سه مرکز پزشکی (ری، همدان و تخت جمشید) به همراه بیمارستانی در جنب آن ها برقرار بوده است که بیشتر به عنوان پناهگاه بیماران و سربازان محسوب می شده است و درمان توسط پزشکان به طور دقیق صورت می گرفته است و درآمد مکفی به آنان داده می شد (۱).

برخی از کهن ترین مستندات تاریخ پزشکی (اوستا) درباره ی انتقال بیماری ها و ناپاک شدن آب ها به شکل پرسش های پیامبر زرتشت و جواب های اهورامزدا (نام خدای بزرگ ایرانیان باستان و زرتشتیان که خالق زمین و آفریدگان است) و تعیین و تکلیف پیروان به آیین زرتشت و مجازات متخلفین است (۲). در بخشی دیگر از متون زرتشتی، به بهداشت محیط و پیشگیری از بیماری ها اشاره شده است (۳).

در ایران باستان جمع آوری زباله، ساماندهی پستمانده ها، نظافت مسکن، سم پاشی و جلوگیری از نفوذ حشرات و جانوران مزاحم به داخل خانه به صورت اصولی کار شده بود و تمهیدات لازم در نظر گرفته شده بود (۴). جهت جلوگیری از سرایت بیماری ها ظرف آبخوری هر شخص اختصاصی بود و آلوده کنندگان آب بزهکار شناخته می شدند و گاهی حتی اعدام می شدند (۵).

فرمان‌های مانتره‌پزشک طبق ضوابط آیینی و منطبق با نظام پزشکی آن زمان بوده است. مثلاً لباس، خانه، محیط‌زیست و نظایر آن باید از آلودگی‌ها دور شوند و باید خویش را از لاشه‌ی انسان، جانوران و آنچه میکروب‌زا و باعث بیماری باشد به دور نگه‌داشت و با آنان در تماس نبود (۱۰).

دانشگاه جندی‌شاپور

مهم‌ترین مرکز پزشکی در ایران باستان دانشگاه جندی‌شاپور بوده است که در این مرکز پزشکی ایرانی، یونانی، سریانی (اقوامی که در منطقه‌ی شام و عراق بودند) و هندی تلفیق یافته بود و به دلیل عظمت این دانشگاه، سالیانه تعداد زیادی از دانشجویان کشورهای خارجی برای تحصیل به آن روی می‌آورده‌اند و کتاب‌های بسیاری از زبان یونانی و هندی به زبان پهلوی (زبان پارسی میانه) ترجمه و تعلیم داده می‌شد. انوشیروان به دانشمندان آن زمان آزادی عمل می‌داد و برای پزشکان غیر زرتشتی نیز دیر و کلیسا ساخته بود تا با آیین خودشان عمل کنند (۱۲).

سلسله‌ی ساسانی اجازه طبابت به افرادی را می‌داد که مدتی نزد پزشکان دانشگاه جندی‌شاپور و بیمارستان جندی‌شاپور خدمت کرده باشند و اصولاً آموختن در دانشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور و فراغت از تحصیل از این دانشگاه، اجازه‌ای برای طبابت محسوب می‌شد. حمایت شاهان ساسانی از اندیشمندان داخلی و خارجی، این مرکز علمی را به یکی از مراکز علمی جهان باستان تبدیل کرد و دانش پزشکی زرتشتی، فرهنگ یونانی، هندی و حضور دانشمندان ملت‌های متمدن باستان در تأمل با فرهنگ ایرانی، بستر آمیزش و نوازی را پدید آورد. این جریان فرهنگی و علمی به دوران اسلامی نیز منتقل گردید و ترجمه‌ی آثار دانش‌های گوناگون از جمله طب، نجوم و ... باعث ارائه‌ی الگوی ارزشمندی برای پایگاه‌های جدید علمی فرهنگ و تمدن اسلامی شد به‌طوری‌که بخش مهمی از طب اسلامی ادامه‌ی مکتب جندی‌شاپور است (۸).

مکتب‌های عمده‌ی ایران باستان و روش‌های درمان

سه مکتب عمده شامل موارد زیر است:

۱. مکتب مزدیسنا بر اساس تعلیم دین زرتشتی و کتاب اوستا پایه‌گذاری شده که درد، رنج و بیماری را آورده‌ی اهریمن (نیروی شر و پلیدی در آیین زرتشت) می‌دانست و هر آنچه درباره‌ی پزشک، درمان و بهبود بیماران گفته شود نیک و اهورایی (ایزدی) بود. اساس مبارزه با بیماری‌ها در این مکتب گیاه‌درمانی و کارد درمانی (جراحی) بود. این مکتب اساس خرافات در درمان را شکست داد و منشأ بیماری‌ها را رعایت نکردن اصول بهداشتی، کردارهای زشت و وسوسه‌ی انگره مینو (اهریمن و پلیدی) می‌دانست و در مرحله‌ی سوم با تلقین دعا و نیاز به‌سوی اهورامزدا که درمان‌کننده‌ی درمان‌کنندگان است، درمان صورت می‌گرفت. در این مکتب مقام پزشک والا بود و قوانینی وضع شده بود که مزد و آسایش آنان در نظر گرفته شود و ساخت بیمارستان، درمانگاه، دارو و درمان ارزان کاری خدایسندانه محسوب می‌شد. اعضای این مکتب به‌ویژه رهبر آن‌ها زرتشت خود بسیاری از بیماری‌ها را درمان نمود.

عمل جراحی در هراس بودند استفاده می‌شد. پزشکان از هندسه صرفاً جهت برش‌های جراحی، سوار کردن استخوان‌های شکسته و استفاده در انواع بخیه‌ها سود می‌جستند. آنان در بخیه زدن از نخ‌های نازک طلا، موی خوک و حتی موی زنان استفاده می‌کردند. گزارش‌هایی نیز در دست است که از مورچه‌های بزرگ برای بخیه زدن استفاده می‌کردند. پزشکان مورچه‌ها را به محل برش نزدیک می‌کردند و چون برحسب غریزه محل زخم را گاز می‌گرفتند، با انبرک تن مورچه را جدا می‌کردند پس از التیام زخم، سر مورچه را از محل زخم جدا می‌کردند (۸).

ماسک امروزی

پزشکان هنگام برخورد با بیماران، پنام یا پندامه (پارچه‌ای پنبه‌ای چهارگوش که با دو بند بر پشت سر بسته می‌شد) می‌زدند و جز با رعایت کامل اصول بهداشتی از بالین یک بیمار به عیادت بیماری دیگر نمی‌رفتند (۹). پزشکان از نظر وظیفه به پنج دسته تقسیم می‌شدند که سه دسته‌ی آن‌ها شامل موارد زیر بودند.

۱. اشوپزشک (اشو=پاک) با رعایت پاکی و پاکیزگی بیمارانش را درمان می‌کرد و چیزی جز توجه به نظافت، دقت در نگهداری جسم و روان، توجه به مواد غذایی و نظام بهداشتی به بیماران خویش تجویز نمی‌کرده است. بیمار نه‌تنها باید مسائل بهداشتی را رعایت می‌کرد بلکه افراد سالم نیز مجبور به رعایت بودند تا از سرایت بیماری‌ها جلوگیری شود (۱۰).
 ۲. ارور (گیاه) پزشک که روش درمانی او با استفاده از درمان گیاهان بود (داروسازی امروزی). داروهای که توسط ارورپزشک تهیه و آماده می‌شد با توجه به ضوابط و دستورهای مذهبی (کتاب اوستا) در اختیار نیازمندان قرار می‌گرفت.
 ۳. مانتره‌پزشک (روانپزشک) که به کمک خواندن آیات از کتاب آسمانی و استفاده از دعا، بیماران را درمان می‌کرد. او پزشک پزشکان است و در طب باستان مقامی ارزنده داشته است (۱۱).
- مانتره‌پزشک نشانه‌ها و اختلالات روانی بیمار را با توجه به عکس‌العمل‌های او و تسلطش بر اعصاب مشخص می‌کرد و به درمان بیمار روانی اقدام می‌کرد.



تصویر ۱. یونسکو رسماً دانشگاه جندی‌شاپور را با قدمت ۱۷۵۰ سال، به‌عنوان کهن‌ترین دانشگاه جهان به ثبت رساند

افرادی که بیماری سختی داشتند نیز نیاز به جدا کردن از افراد سالم و انتقال به بیمارستان داشتند (۱۰). سرایت بیماری‌ها از آب، هوا، باد، مواد غذایی، لباس‌ها، انسان و جانوران از شهر به شهر، روستا به روستا، خانه به خانه و انسان به انسان برای آریایی‌ها شناخته شده بود (۶). به همین سبب دخمه کردن مردگان یکی از شیوه‌های پاک نگاه داشتن سه عنصر آب، خاک و هوا بوده است (۴). اصول بهداشتی و دستورات دقیق دینی به وسیله‌ی افراد تهیه کننده‌ی مواد غذایی که صلاحیت تهیه‌ی این مواد را داشتند و تحت مراقبت موبدان (روحانیون) تهیه می‌شد.

درمان اشوپزشک شامل معاینه‌ی ظاهری و جسمی بیمار و مراقبت در تغذیه و آشامیدنی‌هایی بود که بیمار مصرف می‌کرد. این پزشک مشابه پزشک عمومی کنونی عمل می‌کرد. درمان دادپزشک بر اساس روش برش‌نوم بود که در این روش ۹ روز و ۹ شب بیمار را از ۹ انسان دیگر دور نگاه داشته می‌شد و جدا از دیگران به او غذا می‌دادند. این روش به‌ویژه برای بیماری‌های واگیردار مورد توجه بود. به کمک این روش‌های درمانی، آرامش به بیمار منتقل می‌شد و محیط زندگی و اطرافیان او از گزند بیماری دور نگه می‌داشتند. روش برش‌نوم (پاک‌سازی جسم و روح) علاوه بر بیماری‌های واگیردار برای افراد سالم نیز سالیانه یک‌بار و در تابستان در خانه‌ی موبد (روحانی زرتشتی) مخصوصی که صلاحیت مراسم برش‌نوم را داشت، برگزار می‌شد. از نوشته‌های اوستایی چنین برمی‌آید که این موبدان مورد توجه شاه و پیشوایان تراز اول دینی بودند. شیوه‌ی درمان اشوپزشک مشابه روش قرنطینه در مراکز درمانی امروز است. درمان کاردپزشک (جراح) که برای جراحی داروی بیهوشی به کار نمی‌بردند و فقط عضو آسیب دیده را قبل و بعد از عمل با مواد معمول آن زمان ضد عفونی می‌کردند و جراحی‌ها در سطح خارجی بدن انجام می‌شده است. جراحان باید امتحانات سختی را برای ورود به فعالیت خود می‌گذراندند. در مرامنامه و قوانین زرتشتی برای جراحان، سه عمل جراحی وجود داشت که باید بر غیر آریایی می‌گرفت تا اگر این جراحی‌ها با موفقیت انجام نمی‌شد، اجازه‌ی جراحی زرتشتیان به آن‌ها داده نشود و حتی اگر دیو ستایی (پرستندگان دیگر دین‌ها به جز زرتشت) را به خاطر مهارت‌نداشتن در جراحی معدوم یا مجروح می‌کردند، مجازات می‌شدند. برای این جراحان دستمزد بالایی در نظر گرفته می‌شد (۱۰).

در این مکتب حتی بهداشت بر پزشکی برتری یافت و معتقد بودند که با پاک‌ی پیرامون، تن، جامه، خوراک و مصرف نکردن مسکرات می‌شود از بروز بیماری‌ها جلوگیری نمود. در این مکتب اگر بیماران واگیردار از سایرین جدا نمی‌شدند سبب بیماری دیگران می‌شدند و آن‌ها مقصر محسوب می‌شدند. ۲. مکتب اکباتان که توسط یکی از شاگردان زرتشت به نام سئنا پایه‌گذاری شد. او همراه صد نفر از شاگردانش به کار درمان مشغول بود و ورود به این جمع با گذر امتحان‌های سختی همراه بود (۳).

۳. مکتب جندی‌شاپور با مرکزیت دانشگاه جندی‌شاپور که به دستور شاپور دوم ساسانی در شهر جندی‌شاپور بنا شده بود. در واقع پزشکی ایرانی، یونانی، هندی، مصری، سریانی و اسکندرانی در هم ادغام شدند و مکتب جندی‌شاپور شکل گرفت. در این مکتب بیماری‌ها نیز به واگیردار و غیر واگیردار یا بیماری جسمی و روحی تقسیم می‌شد و تخصص در پزشکی پدید آمد. در این مکتب دردشناسی، درمان‌شناسی و داروسازی برای پزشکان تدریس می‌شد. مشهورترین همایش طب در جندی‌شاپور در زمان خسرو انوشیروان بر پا شد که در آن پزشکان به اظهار نظر پرداختند و گزارش‌هایی ثبت شد. کتاب‌های مختلفی در این مرکز ترجمه شد که بعدها به دانشکده‌ی بغداد منتقل شد. یکی از پزشکان مشهور و مترجم کتاب‌های طبی این بیمارستان جورجیس بختیشوع بود که خاندان وی دارای ۳۵۰ سال سابقه‌ی طبابت در جندی‌شاپور بودند (۸).



تصویر ۲. طب سنتی ایرانی

روش‌های بهداشتی آریایی‌ها

وضع مقررات و قوانین بهداشتی و پزشکی از جمله اقدامات بهداشتی در آن زمان بود. از جمله این‌که افراد بیمار از افراد سالم دور نگاه داشته شوند و به مراکز درمانی منتقل شوند و ملاقات با این‌گونه بیماران تحت شرایط خاص بود و اگر فردی بیماری غیر قابل علاج نداشت در خانه تحت درمان قرار می‌گرفتند و در غیر این صورت به جهت خطر سرایت بیماری آن‌ها را در اتاق‌های مجزا تحت مراقبت و درمان قرار می‌دادند و ظروف این بیماران نیز مجزا بود. دور کردن اجساد مردگان انسان‌ها و حیوانات از محیط شهری و روستایی از مقررات و فرمان‌های پزشکی بود. مردگان را نیز در دخمه قرار می‌دادند تا از سرایت بیماری جلوگیری شود (۱۳).



تصویر ۳. قیچی، پنس و چاقو در یک کتاب خطی

نتیجه‌گیری



تصویر ۴. جشن روز جهانی شستن دست‌ها در کشور فیلیپین

در حال حاضر که جهان با پدیده‌ای منحوس به نام کووید ۱۹ درگیر است، حفظ و رعایت اصول بهداشتی، اهمیت و اولویت پیشگیری مقدم بر درمان بر همگان عیان است. در ایران باستان نیز شستن دست و صورت همواره توصیه می‌شد و افراد بیمار از افراد سالم باید جدا می‌شدند. ظروف افراد سالم و بیمار جدا بود و پرهیز از تماس جسد انسان یا حیوان به دلیل وجود عاملی ناشناخته (باکتری) که منجر به بروز بیماری می‌شد ضروری بود. به همین دلیل اجساد را در دخمه می‌گذاشتند تا هوا، آب و خاک را آلوده نکنند. نظافت و شست‌وشوی دست در سه کیش

اسلام (برای مسلمان رعایت بهداشت فریضه‌ی شرعی و دینی است)، مسیحیت و یهودیت تأکید شده است. روز جهانی شستن دست‌ها (که می‌تواند کارآمدتر از پیش باشد) اولین بار در اکتبر سال ۲۰۰۸ با شرکت ۱۲۰ میلیون کودک از ۸۰ کشور جهان برگزار شد تا به منظور پیشگیری از بیماری‌ها، دستان خود را با آب و صابون شستشو دهند. توجه به این نکته ضروری است که هم در ایران باستان و هم در عصر کنونی، پیشگیری نسبت به درمان اولویت دارد.

در ایران باستان پزشکان و دستیاران هنگام کار پارچه‌ای تمیز، چهارگوش و پنبه‌ای به نام پنم که به معنی پوشیده و پنهان است بر دهان و بینی خود قرار می‌دادند که با دو بند به پشت سر بسته می‌شد (این یکی از کاربردهای این پارچه بود). درواقع ماسک امروزی که در اولویت استفاده برای تملی مردم در عصر کنونی و با ظهور کووید ۱۹ است، شکلی از همان پنم است که در ایران باستان برای رعایت بهداشت استفاده می‌شد. دانشگاه جندی‌شاپور نیز محلی برای گردهم‌آمدن دانشمندانی از یونان، هند و ... برای کسب علم بود و در آن دوران کتاب‌های زیادی در خصوص پزشکی به زبان‌های مختلف ترجمه گردید و اولین همایش بین‌المللی در این دانشگاه از سوی پزشکان شکل گرفت که در آن به اظهارنظر در خصوص موارد درمانی پرداختند و این موارد ثبت گردید.

این میراث ارزشمند علمی حتی پس از ساسانیان به دوره‌ی اسلامی انتقال یافت و کشور ایران به‌عنوان پیشرو در علم پزشکی در تاریخ ثبت گردید.

منابع

۱. عبدالهی، منیژه، نگاهی دیگر به تاریخ علم پزشکی و هویت بیمار در متن‌های پزشکی، حوزه سلامت، طب سنتی اسلام و ایران، ۱۳۸۹. شماره ۲، ص. ۱۴۱.

۲. حکیمی‌ها، سعید، سیر قانون‌گذاری کیفری در امور پزشکی، حوزه سلامت، پزشکی قانونی ایران، ۱۳۷۴، شماره ۴. ص ۱۴.

۳. یزدی، اسمعیل، سیری در تاریخ دندان‌پزشکی، ایران از گذشته تا معاصر، ۱۳۸۸، موسسه نزهت، تهران. ص ۵۶.

۴. خالندی، انور، افشار، شنو، بررسی بهداشت عمومی در ایران باستان با تکیه بر بهداشت آب‌و‌خاک و هوا، تاریخ‌نامه خوارزمی، ۱۳۹۶. شماره ۱۸. ص ۱۲۶.

۵. سلطانی، ابوالقاسم، بهداشت در ایران از آغاز تا پایان قرن سوم هجری، محیط‌شناسی، ۱۳۵۴. شماره ۵. ص ۱۵.

۶. توکلی، جستاری بر تاریخ پزشکی باستان. ۱۳۹۴، موهام، تبریز، ص ۱۹۴.

۷. آهنگری، فرشته پزشکی و تخصص‌های پزشکان در ایران باستان (با تکیه بر دینکرد و اوستا) حوزه سلامت، اخلاق و تاریخ پزشکی، ۱۳۸۹. شماره ۴. ص ۹.

۸. بال افکن، سید اسدالله، تاریخ ایران باستان، گیاه‌شناسی و طب در ایران باستان، قبل از اسلام، رشد آموزش تاریخ، ۱۳۹۳. شماره ۵۷. ص ۶۱.

۹. خدایی، محمدزمان، کریمی، صادق، "تاریخچه بهداشت، دارو درمان در ایران باستان، پژوهش‌های علوم انسانی، ۱۳۹۲. شماره ۲۴. صص ۱۳۹ - ۱۴۰.

۱۰. خدادادیان، اردشیر، روش‌های درمان پزشکان زرتشتیان در ایران باستان، بررسی‌های تاریخی، ۱۳۵۶. شماره ۴. ص ۱۶۶.

۱۱. کراچیان ثانی، قاطمه، سلطانی، عباس علی، نگاهی به جایگاه پزشکان و قانون حمورابی، اخلاق و تاریخ پزشکی، ۱۳۹۰، شماره ۲. ص ۳۶.

۱۲. نجم‌آبادی، محمود، تاریخ طب و بهداشت در ایران باستان، دانشکده علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ۱۳۵۰. شماره ۷. ص ۹.

۱۳. کریستنسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، مترجم، رشید، یاسمی، ۱۳۸۵. تهران. ص ۱۸.